

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ

لازم است، هر کس بخواهد به حج برود باید دلیل آن را در ابتدا بداند، و آن عرضه داشتن ولایت خویش بر ولی و خلیفه‌ی خدا در زمین و برائت جستن از جُبت و طاغوت و هر کس که با خدا، ولی و خلیفه‌ی او بر زمین و بندگانش دشمنی کند، می‌باشد.

از علی بن ابراهیم از پدرش از ابن ابی عمیر از بن اذینه از فضیل از ابی جعفر محمد باقر علیه السلام نقل می‌کند: (یک روز که مردم داشتند طواف خانه‌ی خدا را انجام می‌دادند) امام محمد باقر علیه السلام متوجه مردم شدند و دیدند که مردم در حال طواف خانه‌ی خدا هستند. فرمودند: در جاهلیت مردم این چنین طواف می‌کردند. بلکه به اینها فرمان داده اند دور خانه‌ی کعبه بگردند سپس به سوی ما بشتابند و وابستگی و ولایت و محبت خویش را به ما اعلام کنند، و یاری و کمک خویش را عرضه نمایند، سپس حضرت علیه السلام این آیه را خواندند: ﴿فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ﴾، ابراهیم: ۳۷ (بار خدایا تو دل‌های مردمان را بسوی آنها مایل گردان). اصول کافی: ج ۱ ص ۳۹۲

حج بزرگترین اجتماع امت محمد صلی الله علیه و آله در هر سال است، در حالیکه می‌بایستی آنان در این زمان جهت نصرت و یاری امام مهدی علیه السلام دور هم جمع شوند و ولایت و یاری خویش را بر ایشان علیه السلام عرضه بدارند، پس مردم به دور احجار (سنگها) جمع نمی‌گردند، بلکه بر نگینی که آن احجار کریمه بخاطرش از هم شکافته شدند که آن گرانقدر علی علیه السلام می‌باشد جمع می‌شوند؛ و آل محمد و علی علیه السلام حجت‌های الهی‌اند، پس حج معراج مؤمن بسوی خدا و بواسطه‌ی ولی خداست. (حج همان ولایت است، و ولایت همان حج می‌باشد).

آخرت را در قلب خویش جای ده و ضرر آن (دنیا) را از خود بران، همانگونه که جز آنچه که عورت خود را بپوشاند را باقی نگذار. بوسیله‌ی حجت‌های الهی از دنیا و زیور آلات آن بسوی آخرت و نعمتهایش مهاجرت کن، مهاجرتی بدون بازگشت به سوی دنیا.

و حج تمتع بدنبال آن عمره می‌آید:

اما اعمال و مناسک عمره بدین صورت است که از میقات از جایی که از آن در مسیر خود می‌گذرد محرم می‌شود، تا از عمره تمتع به آن بگذرد.

و محل احرام حج گذاران (مواقیت): عقیقه یا مسجد الشجره یا جحفه یا یلملم یا قرن المنازل یا آنچه در مسیر آن و در نزدیکی آنها قرار گرفته باشد.

پس عمره ای که با آن به حج تمتع کند را نیت می‌کند و لباس احرام را می‌پوشد و با تلبیه (لیک گویی) احرام می‌کند که آن عبارت است از: (لیک اللهم لیک، لیک لا شریک لک لیک، ان الحمد و النعمة لک، و الملک لک لا شریک لک).

پس اگر تلبیه گفت احرام گذار شد، و بر وی موارد زیر حرام می‌گردد:

۱- شکار در خشکی، گرفتن شکار یا خوردن گوشت آن، و اشاره کردن به طرف شکار برای شکارچی، و دلالت بر شکار برای شکارچی، و نگه داشتن شکار، و ذبح آن.

۲- زنان: (یعنی همسر) نزدیکی، بوسیدن و لمس کردن با شهوت، و نظر کردن با شهوت، و عقد کردن برای خود یا کس دیگر، و گواهی دادن بر عقد دیگر.

۳- بوی خوش به طور کلی، بجز عطری که خانه یا لباس یا آنچه جهت معطر کردن خانه‌ی خدا جهت تقرب باشد.

بیانیه‌ی مسائلی شرعی در حج

- ۴- پوشیدن لباس دوخته شده برای مردان. و برای زن لباس دوخته شده جایز می باشد.
- ۵- سرمه کشیدن ماده مشک‌ی و عطر دار.
- ۶- نظر کردن به آینه اگر برای زینت نباشد.
- ۷- فسق (که همان دروغ است).
- ۸- بحث و جدال کردن، و آن گفتن (نه به‌الله، و بلی به‌الله و...).
- ۹- کشتن حشرات بدن حتی شپش.
- ۱۰- انگشتر بدست کردن یا پوشیدن زیور آلات و از روی سنت جایز است.
- ۱۱- استفاده از روغن عطر دار.
- ۱۲- از بین بردن مو چه کم و چه زیاد و اگر از اجبار باشد گناهی در بر ندارد.
- ۱۳- ارتماس (یعنی فرو بردن تمام سر در آب).
- ۱۴- پوشاندن سر مرد. و بر زن واجب است که سر خود را بپوشاند (پوشیدن حجاب).
- ۱۵- سایه انداختن بر احرام گذاری که در هنگام روز سیر می کند، و اگر مجبور شد اشکالی ندارد، و برای زن جایز است.
- ۱۶- خارج کردن خون و اگر مجبور شود اشکالی ندارد.
- ۱۷- کوتاه کردن ناخن.
- ۱۸- قطع درختان و گندن علف.
- ۱۹- غسل کردن احرام گذار با کافور، اگر فوت کند.

۲۰- حمل سلاح اگر حمل آن ضرورتی نداشته باشد.

و هنگامی که احرام گذار وارد مکه شود، هفت بار به دور خانه طواف می‌کند و در مقام ابراهیم علیه السلام دو رکعت نماز بخواند و به سوی صفا و مروه، هفت مرتبه سعی کند، سپس موی خود را می‌تراشد. و بدین شکل عمره تمتع به پایان می‌رسد و از احرامش فارغ می‌گردد.

و هنگامی که روز ترویبه که همان هشتم ذی الحجه است فرا رسد، احرام برای حج از مکه می‌بندد (پس آن را می‌پوشد و با گفتن تلبیه ی: لبیک اللهم لبیک، لبیک لا شریک لک لبیک، ان الحمد و النعمة لک، و الملک لک لا شریک لک) احرام می‌کند. و بر او جایز است که احرام برای حج را به اندازه ای که به وقوف در عرفه برسد، به تأخیر اندازد. سپس به عرفات می‌آید و تا غروب در آنجا می‌ماند، سپس به سوی المشعر می‌رود و در آنجا تا بعد از طلوع فجر می‌ماند.

سپس به منی می‌رود و رمی جمره ی عقبه می‌کند، سپس قربانی می‌کند، سپس موهای خود را می‌تراشد، سپس اگر بخواهد در روز دهم به مکه برود، و طواف حج را که هفت دور است را به جای می‌آورد و دو رکعت نماز می‌خواند، و بین صفا و مروه (هفت سعی) می‌کند، و سپس طواف نساء را به جای می‌آورد و دو رکعت نماز می‌خواند، و اگر خواست می‌تواند آن را به روز یازدهم به تأخیر اندازد.

سپس به منی برای رمی جمرات (سنگ ریزه های) سه گانه در روز یازدهم و دوازدهم بر می‌گردد و هر روز هر جمره را هفت بار سنگ می‌زند.

و واجب است اموری را مراعات کند من جمله:

۱- اگر از طریق پرواز هوایی مسافرت کند و از مواقیت در مسیر مکه بگذرد و قصد سفر به بیت الله الحرام را داشته باشد، واجب است هنگام ورود به میقات یا اطراف آن در هواپیما احرام کند، و اگر امکان پوشیدن لباس احرام در هواپیما وجود نداشت لازم است آن را قبل از سوار شدن بپوشد، و در پرواز هوایی جایز است مُحْرِم بر خود سایه اندازد.

بیانیه‌ی مسأله‌ی شرعی در حج

۲- لازم است قربانی را خود سر ببرد یا اینکه شخصی که به ائمه و مهدیین مؤمن است نیابت سر بردن کند، و کافی نیست غیر مؤمن به نیابت وی این کار را انجام دهد. و جایز نیست قبل از قربانی، سر بتراشد.

۳- اگر نتواند خود قربانی کند یا مؤمنی نیست که به نیابت از وی قربانی کند، واجب است ده روز روزه بگیرد، پس سه روز را در حج و هفت روز را هنگامی که برگشت روزه می‌گیرد؛ و لازم است که سه روز پشت سر هم باشند، بنابراین روز هفتم و هشتم و نهم ذی‌الحجه را روزه می‌گیرد، و اگر هشتم و نهم را روزه گرفت در روز عید روزه را می‌شکند و روز سوم را بعد از پراکندگی روزه می‌گیرد، و جایز است که روزه بگیرد یعنی سه روز متوالی در ماه ذی‌الحجه در حالی که در حج است.

۴- واجب است که خون قربانی بعد از سر بردن در مکانی باز و به طرف آسمان قرار گرفته باشد، تا آفتاب در ایام تشریق بر آن طلوع کند.

۵- وقوف در عرفات در روز نهم ذی‌الحجه واجب است. اگر طاغوت و قوف را در هشتم فرض کرد، این وقوف کافی نیست، و بر او است در روز عرفه به قدر امکان وقوف کند. و همچنین بقیه‌ی مناسک باید در وقت صحیح و به قدر امکان به جای آورده شوند. و اگر از وقوف در عرفات در روز نهم منع شد، پس ورود وی بعد از زوال در حدود عرفات، و خروج از آن کافی است؛ و همچنین در مورد المشعر به هنگام صبحگاه روز دهم. و اجر و پاداش به قدر مشقت است.

احمد الحسن رضی الله عنه

۱/ذی‌القعدة/۱۴۲۶هـ.ق

هفته‌ی آخر شهر روم/ماه/۱۳۸۴هـ.ش